

بانک‌ها؛ ستون لِرزان اقتصاد

حال این پرسش پیش می‌آید در چنین شرایطی، جایگاه کفایت سرمایه بانک‌های ما در مقررات «بال» و قانون تجارت کجاست و تاوان ورشکستگی بالفعل ولی نه رسمی بعضی از مؤسسات بانکی کشور چگونه و ازسوی چه مقامی پرداخت خواهد شد؟ در زمینه سیاست‌های پولی، به سبب شرایط نامطلوب نظام بانکی، باوجود رشد بالای نقدینگی و تورم پایین ۸۰٫۷ درصدی مهرماه ۹۵، نرخ‌های بهره کاهش زیادی را نشان نمی‌دهد و تکنای اعتباری در اقتصاد حاکم است. متوسط نرخ‌های بهره به جهت سپرده‌ها و تسهیلات بالاتر از ۲۰ درصد است؛ میان خود بانک‌ها نرخ‌های کوتاه‌مدت ۲۵درصد نیز گزارش می‌شود، بدین ترتیب بدون اصلاح نظام بانکی، خروج از رکود و نیل به رشد اقتصادی بالا و پایدار منتفی است. به‌علاوه بدیهی است با تأخیر در اصلاحات و اقدامات ضروری گسترده بانکی، زمینه‌های تشدید بحران بانکی فراهم می‌شود و هزینه‌های مقابله با آن افزایش می‌یابد. این شرایط نامطلوب با عباراتی مصلحت‌گوتر در گزارش مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور در طرح نجات بازار پول نیز بیان شده است؛ ایشان می‌گوید نظام بانکی کشور بیمار است، نشانه‌های بیماری هم ظرفیت محدود بانک‌ها برای تسهیلات مالی و نرخ بهره بالای حاکم است. از زبان ایشان علت تنگنای مالی، بازنگشتن تسهیلات گذشته بانک‌ها به فعالان اقتصادی و دولت است و علت نرخ بهره بالا نیز جنگ قیمتی میان بانک‌ها برای جذب سپرده‌هاست. این جنگ قیمتی هم ازسوی بانک‌های ناسالم یا بهتر بگوییم ناسالم‌تر (به عبارت ایشان بیمارت) اداره می‌شود و در نهایت نرخ بهره اقتصاد یا نرخ هزینه تأمین منابع مالی از جانب بانک‌های ناسالم‌تر و نه بانک مرکزی دیکته می‌شود. این بهره‌اقتصاد یا نرخ هزینه تأمین منابع مالی از جانب بانک‌های ناسالم‌تر به بانک مرکزی دیکته می‌شود. این بازار و رقابت میان بانک‌ها تعیین‌کننده بهترین نرخ بهره و تخصیص منابع مالی است. پژوهش انجام‌شده اخیر در پژوهشکده پولی و بانکی کشور وابسته به بانک مرکزی درباره وضعیت بازار مالی و چشم‌انداز آن نیز بیانگر شرایط بحرانی نظام بانکی است. براساس این گزارش درباره بیشتر بانک‌های کشور، نسبت کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیرجاری، نسبت دارایی نقد به دارایی و سایر نسبت‌های سلامت بانکی در وضعیت نامساعدی براساس نرم‌های جهانی قرار دارند و حکایت از نزدیک شدن شبکه بانکی کشور به خط قرمز بحران دارد. بیان ساده مشکل از این قرار است که بخش بزرگی از نظام بانکی کشور، سپرده‌های اشخاص را سهواً، عمداً (در جهت منافع شخصی) یا به‌صورت دستوری (بدهی‌های دولتی) صرف اعطای وام‌هایی کرده‌اند که در بازگشت اصل و سود آن از ابتدا تردید بوده و چنین نیز شده است (بدهی‌های غیرجاری بانک‌ها). قسمت دیگری از سپرده‌ها را نیز بانک‌ها در شرایط تورمی اقتصاد با هدف کسب سود بالا صرف خرید زمین و ساختمان و سرمایه‌گذاری‌هایی کرده‌اند که اکنون نه‌تنها قیمت آنها کاهش یافته است بلکه امکان نقدشدن آن نیز بسیار کم و همراه با زیان است. به‌این‌ترتیب اولاً به جهت عدم برگشت وام‌ها، منابع محدودی برای اعطای وام‌های جدید به بنگاه‌های اقتصادی در دسترس است (تنگنای مالی اقتصاد)، ثانیاً جمع سرمایه، وام‌های برگشت‌پذیر و سایر دارایی‌ها بخشی از نظام بانکی کمتر از سپرده‌های جمع‌آوری‌شده ازسوی آنها و سایر بدهی‌هاست (ورشکستگی بعضی از بانک‌ها). ثالثاً این گروه از بانک‌ها به جهت ناکافی بودن درآمد‌ها، برای جابجایی اصل و سود ماهانه سپرده‌ها و هزینه‌های دیگر، نیاز روزانه به نقدینگی دارند که جذب آن را با هر نوعی - به‌منظور پنهان‌کردن ورشکستگی خود- مجاز می‌دانند (حاکمیت نرخ تعدایی بهره بالا). بانک مرکزی نیز نگران از گسترش بحران بانکی و افزایش شدت آن بر اساس توافق نانوشته، منابع مالی مورد نیاز را برای شبکه بانکی تأمین (افزایش ۳۰درصدی نقدینگی) و ادامه حیات تعادل غیربهره بازار پول را ممکن می‌کند. ادامه این فرایند، انباشتی بیشتر زیان در نظام ناسالم بانکی و وقوع یک بحران بزرگ بانکی با هزینه‌های سنگین آن برای تمامی اقتصاد است. شایان ذکر است درباره ورشکستگی یک بنگاه غیربانکی با یک شخص حقیقی، جماعتی متضرر می‌شوند که با اراده خود با بنگاه یا فرد ورشکسته دادوستد داشته‌انداما درباره یک بانک برابر باور و اعتماد جامعه، سپرده‌ها ازسوی بانک مرکزی بیمه شده‌اند و در زمان ورشکستگی یک بانک، این بانک مرکزی است که باید از محل منابع عمومی کشور که متعلق به همه مردم است اقدام به بازپرداخت سپرده‌ها کند. راه‌حل مقابله با معضل بزرگ بحران بانکی کشور به‌دفعات و با جزئیات ازسوی اهل فن در کنفرانس‌های اقتصادی متعدد و در طرح‌های مطالعاتی مختلف و همچنین ازسوی کارشناسان زده بانک مرکزی عنوان شده و مورد تأیید مسئولان بانکی کشور نیز هست، اما چرا بانک مرکزی از این راه‌حل‌ها استفاده نمی‌کند؟ پرسش بجایی است!

باچه‌سلاحی ازفرهنگ دفاع خواهیدکرد؟

و همان اقتصاد فرهنگی مدنظران تعمیم خواهد یافت در پایان به موضوع اصلی موسیقی بپردازیم که جانب‌علانی در دست‌نبردنی آن به‌خوبی آشکاره کردید

و بر فرق نین سنتنی، مقامی و فاخر آن آگاه بودید؛

ولی شما هم مانند سلفان پیشین وزارتخانه موضع روشنی از این حوزه ارائه ندادید.به شما اعتماد

داریم مانند نمایندگان‌مان‌که به شما اعتماد کردند

و یادتان نرود اعتماد در جامعه فرهنگی ما تضامن می‌خواهد، نه تفاهم...

شرق: «ترامپ خودش هم نمی‌داند که می‌خواهد چه کند». «ممکن است قیمت نفت تا اوایل سال آینده تا بشک‌های ۲۰ دلار هم ریزش کند». «ترامپ به‌سرعت ناچار شد از سخناش درباره برجام عقب‌نشیننی کند: آنها هم می‌خواهند در مبادلات و تجارت ایران سهمی داشته باشند». اینها بخش‌هایی از سخنان محمود خاقانی، مدیرکل امور خز و آسیای میانه وزارت نفت در دولت‌های هشتم و نهم، در گفت‌وگو با «شرق» است. این کارشناس نفتی معتقد است که اوپک، مانند بیماری است که با دستگاه‌های پزشکی زنده است و اثرگذاری‌اش را بر اقتصاد کشورها از دست داده. به بیان او، به این زودی‌ها رکود اقتصادی اروپا از بین نخواهد رفت و مازاد عرضه نفت جهانی همچنان ادامه خواهد داشت. سخن او بی‌شابهت به هشداري که آژانس بین‌المللی انرژی همین دو روز پیش به اوپک داده است، نیست. این آژانس اعلام کرده اگر اوپک تولیدش را کاهش ندهد، مازاد عرضه نفت در سال ۲۰۱۷ هم ادامه پیدا می‌کند؛ به گفته آنها، با توجه به شدت‌گرفتن تولید از سوی سایر تولیدکنندگان در نقاط مختلف جهان که می‌تواند منجر به رشد بی‌رویه عرضه شود، بازار نفت در سال ۲۰۱۷ شاهد سومین سال مازاد عرضه خواهد بود. آنها در گزارش ماهانه خود از بازار نفت اعلام کرده‌اند، میزان عرضه نفت جهان در ماه اکتبر ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافته و به ۹۷٫۸ میلیون بشکه در روز رسیده که این افزایش به‌دلیل رشد بی‌سابقه تولید اوپک و بالاتر رفتن تولید تولیدکنندگان دیگری نظیر روسیه، برزیل، کانادا و قزاقستان بوده است. این سازمان مستقر در پاریس پیش‌بینی خود از رشد تقاضا در سال ۲۰۱۶ را در رقم ۱٫۲میلیون بشکه حفظ و پیش‌بینی کرده که میزان مصرف سال آینده هم با همین سرعت رشد کند. رشد مصرف در سال ۲۰۱۵ به ۸٫۸میلیون بشکه در روز رسیده بود که بالاترین رقم در پنج سال گذشته بود.

۴ پس از انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور پرنفوذترین اقتصادهای جهان، بازار جهانی نفت به چنین انتخابی واکنش منفی نشان داد و شاخص‌ها ریزش کرد. حالا پرسش این است که اثر بلندمدت این رخداد چیست؟ از این به بعد واکنش بازار جهانی نفت چه خواهد بود؟ من فکر می‌کنم انتخاب آقای ترامپ، خود او را هم متعجب کرد. در تبلیغ‌های انتخاباتی او نه یک سیاست دقیق و شفاف اقتصادی تعریف شده بود و نه یک سیاست خارجی. فقط گمان می‌کردند دو، سه نکته ممکن است او را مطرح کند و اسمش را سر زبان‌ها بیندازد. نمونه این اظهار‌نظر‌های جنجالی هم همین موضوع برجام است که ترامپ در یکی از اظهار‌نظر‌هایش گفته بود برجام را پاره خواهد کرد.

۴ اما پس از انتخاب او بازار نفت هم مانند بسیاری از بازارهای دیگر واکنش منفی نشان داد و افت کرد...

دراین‌باره باید بگویم، افت قیمت نفت را باید با سقوط قیمت سهام بورس‌های بزرگ دنیا مقایسه کنیم. چرا سهام سقوط می‌کند؟ چون مردم نمی‌دانند که قرار است در آینده چه اتفاقی رخ دهد. معلوم نیست رکود در انتظار آنهاست یا تورم. این شفاف‌نبودن بازارها باعث ریزش شاخص‌ها می‌شود. هرچند ما از یک نکته مطمئن هستیم؛ اینکه آقای ترامپ، تاجر بزرگی است که اکنون رئیس‌جمهوری آمریکا شده است؛ بنابراین او به سوی تقویت دلار حرکت خواهد کرد. این‌چنین است که اکنون بیشتر سرمایه‌گذاران و کاسب‌ها، بخش بزرگی از دارایی‌ها و سهام خود را می‌روشنند تا به سوی خرید دلار بپردازند. به همین دلیل هم سهام سقوط می‌کند و در نتیجه قیمت نفت هم افت می‌کند.

شرق: نقدینگی کشور به رقم بالایی رسیده است؛ هزارو ۱۲۲ هزار میلیارد تومان. این عدد را بانک مرکزی به‌تازگی منتشر کرده که به گفته طهماسب مظاهری، رئیس‌کل پیشین بانک مرکزی، ازدهای هفتمه است و هر آن امکان بازارشدنی وجود دارد. زمانی‌که دولت یازدهم رزماد امور اجرایی کشور را به دست گرفت، ناآگرهای بانک مرکزی رقم ۵۰۶ هزار میلیارد تومان را نشان می‌داد که مربوط به شهریور سال ۹۲ است. حالا با گذشت سه سال، نقدینگی بیش از دو برابر شده است و معلوم نیست تا پایان دولت روحانی به کجاها برسد. این رقم مدت‌هاست درخورتوجه شده است. از سال پیش، بحث درباره رقم نقدینگی بالا گرفت تا اینکه پیمان قربانی، معاون اقتصادی بانک مرکزی، در تیر ۹۴ اعلام کرد نقدینگی نیز نباید نگاه به تغییرات مقداری داشته باشد و تأکید کرد باید مقادیر رشد نقدینگی، برای ارزیابی‌های دوره‌ای محاسبه شود. بررسی نقدینگی در دولت یازدهم نشان می‌دهد اگرچه رقم نقدینگی دلهره‌آور است؛ اما رشد آن نسبت به سال‌های دولت احمدی‌نژاد با رشد‌های نزدیک به ۴۰ درصد به کنترل بیشتری درآمده است. قربانیی دراین‌باره هم از افزایش بی‌بازده نقدینگی در دولت گذشته گفته بود؛ میزان نقدینگی در سال ۸۴، معادل ۹۲۱ هزار میلیارد ریال و در سال ۹۱ تغییر در مانده نقدینگی ۴۰۴ هزار میلیارد ریال بوده است؛ بنابراین در سال ۹۱ فقط در یک سال به اندازه کل نقدینگی سال ۸۴ نقدینگی در اقتصاد ایجاد شده است. به جز



مهرا ن کاروبی،پروایی تحلیلگر بازار سرمایه

در اولین روز معاملاتی، بازار سرمایه وضعیت مناسبی داشت و شاخص بورس با رشد درخورتوجه بیش از ۶۰۰ واحد همراه شد. در معاملات در این بازار در حدود ۴۰۶ میلیارد تومان بوده است که نشان از گردش معاملات مناسب در بازار نسبت به متوسط ارزش معاملاتی بازار دارد. نمادهای فعلی، فولاد، کگل و کچاد بیشترین اثر مثبت روی شاخص را گذاشتند و از سوی دیگر، نماد فارس بیشترین اثر منفی را بر شاخص داشت. وضعیت در فرابورس به شکل مشابه پیگیری شد و شاخص این بازار با رشدی بیش از ۱۶ واحد همراه شد. ارزش معاملاتی در این بازار در حدود ۳۲۳ میلیارد تومان بوده است که نشان از به‌جریان‌افتادن تقاضای سهام در بازار دارد. نمادهای میدکو، زاگرس، مارون و ذوب بیشترین اثر مثبت بر شاخص را داشتند و نماد حکمت نیز بیشترین اثر منفی را بر شاخص گذاشت.

اقتصاد

رئیس‌جمهور جدید آمریکا بی‌برنامه است

سرگیجه نفتی ترامپ



عکس AP

۴ **خب فکر می‌کنید سقوط قیمت نفت تا چه زمانی مانا باشد؟**

به گمان من این روند فعلا و در سال بعدی میلادی هم ادامه خواهد داشت. در همین زمان هم اگر به اخبار دقیق شوید، خواهید دید که تولید نفت اوپک هم بالا رفته و پایین نیامده است. اینها همان‌هایی هستند که می‌خواستند سطح تولید نفت را کاهش دهند. اکنون آنها عکس عمل کرده‌اند؛ چراکه به پول نیاز دارند. وضع مالی کشورهای عضو اوپک خراب است و بازار هم از نظر عرضه اشباع است. در همین حال تقاضا هم برای نفت بسیار اندک است؛ چراکه رکود در کشورهای صنعتی و اروپا همچنان تداوم دارد.

۴ **پس شما گمان می‌کنید روند نزولی قیمت نفت در چنین شرایطی ادامه داشته‌باشد.**

بله؛ اگر همین سیاست درون‌گرایی ترامپ و تلاشش برای قوی‌ترکردن قدرت اقتصادی آمریکا ادامه داشته باشد، دلار تقویت خواهد شد. تقویت دلار برابر ارز‌های دیگر، قطع به‌یقین بر قیمت نفت اثر خواهد گذاشت و با ریزش قیمت‌ها مواجه خواهیم شد.

۴ **و به نظر تا قیمت نفت تا چه سطحی ریزش خواهد کرد؟**

فکر می‌کنم با وضع موجود در بازار نفت و بحرانی که انتظار داریم برای پورور بخور دهد، تا ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۶ بهای نفت حتی تا سطح ۲۰ دلار هم ریزش کند.

۴ **مواضع آقای ترامپ در قبال دیگر موضوع‌های وابسته به نفت مثل shale oil چگونه می‌تواند بر بازار نفت اثر بگذارد؟**

نکته جالب درباره آقای ترامپ این است که او نه رئیس‌جمهوری مؤسسات مالی است و نه رئیس‌جمهوری که از سوی شرکت‌های نفتی حمایت‌شده باشد. دقت کنید که برای نمونه آقای اوپاما و خانم کلینتون از سوی شرکت‌های بزرگ مالی حمایت شده‌اند؛ یا مثلاً جرج دبلیو بوش از سوی بخش‌های نظامی و گاه نفتی. این میان آقای ترامپ نه حمایت بخش‌های نظامی آمریکا را با خود دارد و نه حمایت بخش‌های مالی یا نفتی را. گمان می‌کنم اکنون باید تا ۷۰ روز دیگر صبر کرد تا روشن شود کدام گروه‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا با او وارد گفت‌وگو می‌شوند. این‌گونه هم نیست که هر سخنی که گفته عملی کند یا حتی نتواند عملی کند؛ بنابراین یکی از بخش‌هایی که در نظام حکومتی آمریکا، به شکل مستقیم تحت نظر رئیس‌جمهوری این کشور نیست و نمی‌تواند بر آن اثر خاصی داشته باشد، فدرال‌رزرو یا همان بانک مرکزی آمریکاست. نرخ بهره پول و سیاست‌های پولی و... مسائلی است که دولت ایالات متحده، کنترل چندانی بر

نقدینگی به ۱۱۲۲ هزار میلیارد تومان رسید

جشن تولد اژدها در دولت احمدی‌نژاد

۸۱ هزارمیلیاردتومانی که با ساماندهی مؤسسات مالی و اعتباری بدون‌مجزور، بر رقم نقدینگی افزوده شد، باقی رقم نقدینگی در دولت یازدهم تولید شده است.طهماسب مظاهری، رئیس‌کل پیشین بانک مرکزی، در گفت‌وگویی که با «شرق» داشت، گفته بود: «یکی از محورهای برنامه‌های	
سال	حجم نقدینگی هزار میلیارد تومان (درصد)
شهریور ۹۱	۴۰۲۳
شهریور ۹۲	۵۰۶۳
شهریور ۹۳	۷۰۶۳
شهریور ۹۴	۸۷۲٫۷
شهریور ۹۵	۱۱۲۲

و بی‌معایب از آن استفاده می‌شد. دولت یازدهم بنا گذاشت این کار را به حداقل و در حد ضرورت برساند و در این زمینه نیز موفق بود. گرچه باز هم نقدینگی افزایش داشته؛ اما بخشی از این افزایش، ناشی از نرخ سود بانکی بالاست؛ نه افزایش از مسیر بانک مرکزی و انتشار پول. حالا هم اگر روزی برسد که دیر یا زود خواهد رسید - و نقدینگی هزارهزار میلیاردتومانی، راه خروج از بانک‌ها را پیدا کند و به صورت تقاضا به جامعه وارد شود، فشار تورمی سنگینی را روی کالا و خدمات ایجاد خواهد کرد. امروز با رکودی که داریم و سود بالای

شوک ترامپ به بازار جهانی فلزات

در معاملات روز شنبه شاهد اقبال در صنایع فلزات اساسی و معادن بودیم. در آخرین روز معاملاتی (چهارشنبه) گذشته، انتخابات رئیس‌جمهوری آمریکا نقش اصلی را در تعیین قیمت‌های جهانی و کاهش در بورس‌ها در سراسر دنیا داشت که پس از تعیین آن، شوک شدیدی به بازارهای مالی وارد شد. پس از فروکش‌کردن هیجانات و سخگرانی درباره سیاست‌های آتی، مشخص شد بخش زیرساخت و زیربنایی، یکی از اهداف اصلی خواهد بود. همین امر منجر به افزایش درخورتوجه قیمت‌های جهانی در قیمت فلزات اساسی شد. بیشترین افزایش دراین‌بین را قیمت مس، سرب و روی داشتند، گرچه در آخرین ساعات معاملاتی روز گذشته بازارهای جهانی به دلیل خرید بیش از حد، مقداری از رشد قیمتی آنها کاسته شد (افزایش شاخص دلار دلیل دیگری بر این کاهش است). شدت‌گرفتن تقاضا و قیمت در بازارهای جهانی اثر مستقیم خود را بر بازار داخل گذاشت و شرکت‌های ملی صنایع مس ایران،

ارز	قیمت(روسل)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۵۷	-۱
یورو	۳۹۹۵	-۲۰
پوند	۴۶۱۵	-۵۵
درهم	۱۰۰۲	+۱

آنها ندارد؛ پس با توجه به منافع مؤسسات بزرگ مالی، سیاست‌گذاری درمورد اینها انجام می‌شود؛ بنابراین اکنون خیلی زود است برای اینکه گفته شود ترامپ چه اثری بر اقتصاد داخلی آمریکا یا قیمت نفت و... می‌گذارد.

۴ **اوپک چطور می‌تواند از این انتخابات متأثر شود؟**

ببینید؛ واقعیت این است که اوپک مانند بیماری شده که در ICU بستری است و به یک‌سوی ماشین‌آلات پزشکی وصل است؛ اگر این ماشین‌ها را از این بدن جدا کنند، این بیمار خواهد مرد. اوپک دیگر آن نقشی که می‌توانست در اقتصاد و حتی سیاست کشورهای عضو و دیگر کشورهای جهان بازی کند، از دست داده است. هرچند سازمانی است که عده‌ای علاقه دارند همچنان وجود داشته باشد و اسمش مطرح شود. من که حدود ۳۵ سال در صنعت نفت تجربه دارم، فکر نمی‌کنم اکنون و در این شرایط، اوپک که به‌جای یک سازمان اقتصادی، به یک سازمان سیاسی تبدیل شده است، بتواند موجب نگرانی آقای ترامپ باشد یا اصلا بتواند نقشی در بازار بازی کند. باید دید آقای ترامپ چقدر می‌تواند به آقای پوتین نزدیک شود. اگر این دو رئیس‌جمهوری به تفاهمی برسند و سیاست‌های تحریم دلاری روسیه کاهش پیدا کند یا برچیده شود، سرمایه‌گذاری برای توسعه صنایع نفت و گاز روسیه از غرب به این کشور سرازیر شود و ازسوی‌دیگر شیهه همین سیاست‌ها درباره ایران اجرا شود، شاهد افزایش بیشتر تولید نفت و گاز خواهیم بود؛ به‌این‌ترتیب رقبای کشورهای حاشیه خلیج‌فارس در بازار نفت قوی‌تر می‌شوند. آن زمان است که بازار نفت و کشورهای عضو اوپک ناچار خواهند بود به تعامل و اشتراک نظر فکر کنند. می‌خواهم بگویم هم شیل‌اول، هم شیل‌گس‌ها و هم آتھایی که به شکل سنتی نفت تولید می‌کنند، آن زمان می‌توانند با مصرف‌کننده‌ها تعامل داشته باشند که به چه قیمتی تولید کنند و بفروشند. همان‌طور که آقای روحانی در اجلاس داووس پیشنهاد داد.

۴ **بنابراین ما اکنون خیلی دقیق نمی‌دانیم سیاست‌های ترامپ در حوزه نفت و گاز چه خواهد بود یا چگونه سیاست‌های احتمالی‌اش بازار را تحت تأثیر خواهد داد؟**

نه؛ واقعیت این است که اکنون خود ترامپ هم نمی‌داند سیاست‌هایش چیست و چه تصمیمی دارد. در واقع او تا الان هیچ برنامه مشخصی در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد ارائه نداده است. تازه او و مشاورانش به این مسائل فکر خواهند کرد. هرچند دراین‌میان نکته مهم این است که خلاف ادعاهایی که رسانه‌های صهیونیستی مطرح می‌کنند و می‌خواهند ایرانی‌ها را دلواپس کنند، همه کارشناسان بر این عقیده‌اند که آقای ترامپ نمی‌تواند به برجام دست بزند؛ کمالنیکه مجبور بود است بلافاصله پس از رئیس‌جمهورشدنش از یکی مشاوران ارشدش بخواهد درباره آن اظهارنظرش درباره برجام اخبار جدیدی بدهد. مشاور آقای ترامپ روز پنجشنبه در گفت‌وگویی که با BBC داشت، اعلام کرد ایشان نمی‌خواهند برجام پاره شود؛ منظور آقای ترامپ این بوده که برجام بازگزی شود و دوباره مذاکرات جدیدی انجام شود؛ چراکه ۱۵۰ میلیارد دلار از این راه به ایران خواهد رسید و در این کارزار آمریکا دست‌اقتصادی نخواهد برد. خب مفهوم این ماجرا این است که اروپایی‌ها با ایرانی‌ها تجارت خواهند کرد. خب؛ طبیعی است که آمریکا هم بخواهد این میان سهم ببرد. پس احتمال زیادی وجود دارد که تحریم‌های دلاری برای ایران برچیده شود تا در سوی مقابل، ایران هم منع خرید کالاهای آمریکایی را آزاد کند.

اقتصاد، اژدهای ویرانگر نقدینگی را متولد کرد و با ادامه سیاست‌های خود، اژدهای نقدینگی را به ۱۲۸ هزار میلیارد تومان، در سال ۸۵ رساند. سال بعد؛ یعنی سال ۸۷، رقم نقدینگی به ۱۶۴ هزار میلیارد تومان، به ۸۷، به ۱۹۰ هزار میلیارد تومان، و در سال ۸۸ به ۲۳۵ هزار میلیارد تومان، در دوره دوم، محمود احمدی‌نژاد اژدهای دست‌ساز خود را با شدت بیشتری به جلو راند. در پایان سال ۸۹ که هدفمندی یارانه‌ها هم کلید خورده بود، نقدینگی به ۲۹۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. در سال بعد، این عدد تا ۳۵۴ هزار میلیارد تومان رشد کرد و در سال بعدی به ۴۶۰ هزار میلیارد تومان رسید. در سال پایانی هم نقدینگی به ۵۰۴ هزار میلیارد تومان رسید. شهریور سال ۹۲ هم رقم نقدینگی با دو هزار میلیارد تومان افزایش روبه‌رو شد؛ زیرا قدرت اجرایی کشور در حال انتقال به روحانی بود و درضمن با افت قیمت نفت، احمدی‌نژاد عیدک تپولی نداشت تا به برزیوپاش‌هایش ادامه دهد. به این ترتیب بود که دولت با ۵۰۶ هزار میلیارد تومان نقدینگی به روحانی تحویل داده شد.نقدینگی در ایران اگرچه با فرازوفروندهای همراه بود؛ اما با آمدن محمود احمدی‌نژاد و استارت سیاست‌های پوپولیستی بر فاز‌های بی‌نظیری روبه‌رو شد که تا هم‌اکنون هم مثال‌زدنی است و با آمدن روحانی و رسیدن نقدینگی به این میزان هم، همچنان رکورد رشد نقدینگی در دست‌های محمود احمدی‌نژاد است.	
--	--

سرمایه تا حدودی هیجان قیمت‌های بازار جهانی حکمفرماست که پیش‌بینی بلندمدت را دچار مشکل می‌کند و باید ارزیابی‌ها با احتیاط صورت گیرند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۹۰۱۰۷	۵۹۹۰۶
شاخص قیمت	۲۷۸۳۴	۲۱۰۸۹
شاخص کل (موزن)	۱۵۷۰۱،۱	۱۱۵۲۰
شاخص قیمت (موزن)	۱۲۵۲۳۸	۸۹۹۰۰
آرژا شناور	۸۸۲۰۵۰۶	۸۰۸،۱۶
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۱۶،۴	۲۶۳،۰

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱،۰۹۵،۰۰۰	-۲۳۰۰۰
طرح جدید	۱،۱۰۸،۰۰۰	-۱۷۰۰۰
نیم	۵۶۰،۰۰۰	-۹۰۰۰
ربع	۲۹۵،۰۰۰	-۴۰۰۰
گرمی	۱۸۵،۰۰۰	-۳۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۱۰،۶۰۰	-۳۰۰۰
اونس (دلار)	۱۲۲۸،۶	-۶۵

خبر

وزیر اقتصاد:

به سوی آزادسازی قیمت‌ها در حرکت هستیم

● علی‌طیبنیا گفت: سیاست بلندمدت دولت این است که کالاهای در بورس کالا عرضه شود و کشف قیمت نیز در بورس کالا صورت بگیرد. بیش از دو دهه از روند خصوصی‌سازی در کشور می‌گذرد. ۱۵ سال پیش کسی تصور نمی‌کرد روزی در کشور کارخانه پتروشیمی یا نیروگاه برق خصوصی داشته باشیم. خصوصی‌سازی در کشور در حالی رخ داده است که به باور بسیاری از اقتصاددانان، اصلی‌ترین مرحله آن، یعنی لغو قیمت‌های تکلیفی هنوز محقق نشده است و این مسئله یکی از موانع گذار به بازارهای رقابتی است. علی‌طیبنیا، وزیر اقتصاد و دارایی، درباره اینکه آیا اراده جدی برای لغو قیمت‌های تکلیفی در دولت وجود دارد؟ گفت: در حال‌حاضر از گستره قیمت‌های تکلیفی در کشور کاسته شده است. اکنون برخلاف گذشته در اکثر محصولات تولیدی با قیمت تکلیفی مواجه نیستیم و در بخش‌هایی که همچنان قیمت تکلیفی وجود دارد، دولت مابه‌التفاوت آن را از محل بودجه تأمین و پرداخت می‌کند.وی با بیان اینکه براساس حکم قانون برنامه که اگر دولت قیمتی را تکلیف کرد، حتما باید مابه‌التفاوت آن را به تولیدکننده بپردازد، افزود: سواردی مانند برق در حال‌حاضر مشمول قیمت تکلیفی می‌شود؛ اما با جهت‌گیری‌های اصولی و کلان دولت تعارض ندارد.

ادامه از صفحه اول

دونالد ترامپ و پیروزی گفت‌مان در انتخابات

درواقع ترامپ باوجود ادبیات نامناسب و لودگی‌هایی که در کلام خود داشت، نقد جامعه آمریکایی را به همان سبک سرمایه‌داری و مفاهیم واقعی مسلط بر فرهنگ آمریکایی طرح کرد و در راستای آن، با بی‌اعتنایی به اسرائیل به انتقاد از عربستان، دشمنی با داعش و امضای برجام با ایران نیز پرداخت. انتخاب ترامپ نشانه پیروزی یک آمریکایی واقعی بود که توانست باوجود آنچه جامعه روشنفکری، نظام دانشگاهی و نظم اداری در قالب پارادایم‌های سیاسی و دیپلماتیک موجود توصیه می‌کنند، به ایجاد گفتمانی جدید بپردازد؛ گفتمانی که در مسیر ادبیات حزبی و سیاسی صرف نمی‌گنجد و گاهی صدای چهره‌های شاخص جمهوری‌خواه و هم‌حزبی او را نیز درمی‌آورد و اکثر رسانه‌ها و مطبوعات طراح آن را به بی‌منطقی و دیوانگی نیز متهم کردند. اما همین مفاهیم و گفتمان در میان مردم مقبولیت پیدا کرد و حساسیت و هواداری شگفت‌آوری را برانگیخت. او با پی‌ریه مسائل موجود جامعه آمریکا و برحسب افکار عمومی، طرحی نو در انداخته بود. او نمی‌خواست و نمی‌توانست برحسب ادبیات و پارادایم رایج بین‌المللی حرف بزند و بر منافع عام امپریالیستی و لیبرالیستی در عرصه جهانی صاف بگذارد. او فقط خواسته‌های یک آمریکایی ثروتمند و قدرتمند به سبک سفیدپوستان آمریکایی را تکرار می‌کرد. ترامپ بارها گفت یک سیاست‌مدار و حقوق‌دان گناهکار نیست و اتفاقا حرف او این است که همین سیاست‌مداری و حقوق‌دانی موجود را قبول ندارد و درصدد یک پارادایم شیف اساسی مبتنی بر مطالبات واقعی یک آمریکایی اصل است. هیلاری کلینتون با همه پشتوانه سیاسی، دانش حقوقی، تجربه کشورداری و دیپلماتیک خود به دلیل فرو رفتن در ادبیات سیاسی و مرداب پارادایم‌های موجود، از پس دونالد ترامپ، به عنوان یک آماتور سیاسی، برنیامد. هیلاری باوجود حمایت‌های باراک اوباما، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، با همه مقبولیتی که در پایان دوره در میان توده‌ها و سیاست‌مداران جهان داشت و با وجود پشتیبانی اکثر رسانه‌ها، جنبش‌های زنانه و فمینیستی، حمایت‌های حاشیه و مهاجران، در مقابل گفتمان چالشی آمریکایی شکست خورد. او در آستانه پایان دو دوره حکومت مدوکراته‌ها و آغاز سنتی نویت جمهوری‌خواهان وارد میدان شد و همین امر نیز از شانس او کم می‌کرد. از نظر رویکرد روش‌شناسی انتخابات، پدیده‌های دو دهه گذشته که در عرصه انتخابات رؤسای جمهوری روی داده، حاکی از آن است اگر نامزدها حرفی نو و مبتنی بر مسائل اساسی جامعه را بگفتن داشته باشند، هرچند فرایندهای موجود در مقابل آن بایستند، احتمال پیروزی آنها بر کدام گفتمان جدید بیشتر خواهد بود. پیروزی گفتمان اصلاحی دولت اسلامی، اعتدال و امید در ایران نیز وجوهی از پیروزی گفتمان بر تشکیلات و رویه‌های جاری انتخاباتی و حتی رویه‌های حزبی، سیاسی و رسانه‌ای است. اینک تکلیف انتخابات ناشی‌نگیر و پراسرودهای آمریکا با ایجاد یک شوک ناشی از قدرت و تأثیر گفتمان مشخص شد و اکنون نوبت انتخابات ریاست‌جمهوری ایران است که در عرصه ملی و بین‌المللی کلید بخورد. با عنایت به اوضاع نوین جهان و همه هراس‌هایی که دونالد ترامپ برای عدول از برجام یا اصلاح آن و دشمنی با قدرت بلاتمازع ایران در غرب آسیا به‌وجود آورده است، مخالفان و موافقان حسن روحانی بر کدام مسائل تأکید دارند و چه مفاهیمی را برای ایجاد گفتمان جدید طرح خواهند کرد، مهم‌ترین مسائل معطوف به منافع ملی ایران کدام است؟ چه تحولی در رویکردها و فعالیت‌ها نسبت به تعقیب منافع عام ایدئولوژیک و تضاد برخی از آنها با منافع ملی بوجود خواهد آمد؟